



رازی، پزشکی فیلسوف

دکتر علی نقی منزوی

پیش‌گفتار کتاب المرشد أو الفصول رازی (د: ۳۱۳ق)، ترجمه محمدابراهیم ذاکر، انتشارات دانشگاه

علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۴خ، برگه ۱۳ - ۳۰

به کوشش

محمدابراهیم ذاکر

۱..... رازی، پزشکی فیلسوف

۱..... رازی، ابوبکر محمد فرزند زکریا.....

۱..... آموزگاران رازی

۱..... ۱- ابوالعباس ایرانشهری نیشابوری (پیرامون سده ۳هـ)

۲..... ۲- آموزگار دیگر رازی، بوزید بلخی است:

۳..... ۳- علی بن سهل ربن طبری

۵..... اندیشه‌های رازی.....

۱۰..... مناظره و گفتگوهای علمی رازی با همگنانش.....

۱۲..... بحث رازی درباره لذت.....

۲۱..... کتاب‌نامه.....

۲۱..... نمایه کتاب و مقاله.....

رازی، پزشکی فیلسوف

دکتر علی نقی منزوی

پیش‌گفتار کتاب المرشد أو الفصول رازی (۲۵۰-۳۱۳ق)، برگرداننده به پارسی محمدابراهیم ذاکر، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تهران و موزه تاریخ علوم پزشکی، ۱۳۸۴خ، برگه ۱۳ - ۳۰

رازی، ابوبکر محمد فرزند زکریا

نام وی محمد پسر زکریا پسر یحیی که عربان پس از چیره‌گی‌های خود در خاورمیانه، شاید از راه خودپسندی و غرور، وی را جالینوس عرب^۱ خواندند در صورتی که نسبت رازی به شهر خود پنهان‌شدنی نیست.

آموزگار رازی

رازی نزد دانشمندانی بزرگ از خراسان و فرارود و تبرستان، فلسفه و پزشکی و دیگر رشته‌ها را بیاموخت. از این بزرگان می‌توان فرزاندانی را نام برد:

۱- ابوالعباس ایرانشهری نیشابوری (پیرامون سده ۳ه)

که در محضرش فلسفه و طبیعیات را فراگرفت.^۲

^۱ ابن ابی‌اصیبعه، موفق‌الدین، ابوالعباس احمد پسر قاسم پسر خلیفه پسر یونس سعدی خزرچی به سال (۶۰۰ق = ۱۲۰۳م) در شهر دمشق در خانه پدری چشم‌پزشک، دیده به جهان گشود و در شهر صرخد از شهرهای کوهستان حوران به سال (۶۶۸ق = ۱۲۶۹م) درگذشت. وی کتاب‌هایی در رشته پزشکی و تاریخ نگاشته است که مهمترین آن کتاب «عیون الأنباء فی طبقات الأطباء» است. چاپ بیروت، ۱۹۶۵م، صفحه ۴۱۵. رازی در پی علت ناهنجاری به دنیا آمدن نوزادی شگفت‌انگیز دارای دو صورت و یک سر بوده که درباره‌اش ابن‌ابی‌اصیبعه چنین گوید [... حتی تصدی لتعلم الصناعة و کان جالینوس العرب...]. عیون الأنباء، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۰۱-۷۲۷.

^۲ ناصر خسرو دهلوی، علوی پسر خسرو پسر حارث پسر عیسی... فرزند امام جواد (ع) مروزی قبادیانی بدخشانی (۳۹۴ - ۳۸۱ق). اعلام الشیعه، سده ۵ه، ۱۹۸، نویسنده کتاب زادالمسافرین. نک: ذریعه، ج ۱۰، ۱۲، چاپ برلین، ۱۹۴۱م. صفحه ۹۸.

ناصر خسرو هر دو را اصحاب هیولی خوانده است.^۱ (... اصحاب هیولی چون ایرانشهری و محمد زکریا رازی و جز ایشان گفتند که هیولی جوهری قدیم است، محمد بن زکریا پنج قدیم ثابت کرده است، یک هیولی، و دیگری زمان و سه دیگر مکان و چهارم نفس، پنجم باری سبحانه و...).

و در ادامه می‌گوید: (... حکیم ایرانشهری که مر معنی‌های فلسفی را به الفاظ دینی عبارت کرده است ... و پس از او محمد زکریا مر قول‌های ایرانشهری را به الفاظ زشت ملحدانه بازگفته است...)^۲

ایرانشهری بر آرای جهودان و ترسایان آگاهی بسیار داشته و از تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های آسمانی اطلاع بسنده داشته است. وی به آیین مانویت آشنایی بیشتری داشته است.

گویند که او وابستگی به هیچ کدم از آیین‌ها نداشته؛ بلکه خود مذهبی نوساخته و مردم را بدان فرا می‌خوانده است.^۳

۲- آموزگار دیگر رازی، بوزید بلخی است:^۴

ندیم در فهرست گوید: وی آشنایی کامل به فلسفه و علوم کهن داشته و نابغه روزگار خود بوده است.^۵

ابوحیان توحیدی گوید: ابوزید تنها کسی بود که میان حکمت و شریعت آشتی داد، وی مدعی بود که (...فائّه ادعی أنّ الفلسفة مقاودة للشریعة و الشریعة مشکالة للفلسفة و أنّ أحدهما أمّ و الأخری ظئر...) فلسفه همپا و قرین شریعت و شریعت شکل‌دهنده فلسفه می‌باشد، یکی زاینده و دیگری بزرگ کننده است.^۶

^۱ همان جا، برگه ۷۳

^۲ همان جا، برگه ۹۸

^۳ مجله فرهنگ ایران زمین. سال ۱۳۴۸، برگه ۳۰۶.

^۴ ندیم «فهرست». چاپ فلوگل، صفحه ۲۹۹، نگارنده بوالفرج محمد پسر اسحاق مشهور به ابن‌ندیم (۲۹۷ - ۳۸۵ ق / ۹۰۹ - ۹۹۵ م) نام دیگر آن فهرس العلوم است از علمی چون لغت، مذهب، نحو، آداب، سیر، انساب، شعر، کلام، فقه، فلسفه، پزشکی، شیمی سخن گفته و درباره اندیشمندان هر رشته با شرح حال و آثار ایشان، ز دوران کهن تا زمان نگارش کتاب به سال ۳۷۷ ق سخن گفته است.

^۵ معجم الادباء. جلد یکم، صفحه ۱۲۵، یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله پسر عبدالله رومی (۶۲۶ - ۶۷۵ ق)

^۶ امتاع و الموانسة. چاپ قاهره، ۱۹۴۲، جلد دوم، صفحه ۱۵، نگارنده ابوحیان توحیدی نیشابوری (۳۲۰ - ۴۱۴ ق)

و در جای دیگر او را سید اهل مشرق در حکمت و جاحظ (۱۶۳ - ۲۵۵ق) خراسان خوانده است.^۱ رازی فلسفه و حکمت را در محضر بزرگی چون او فراگرفت.

۳- علی بن سهل ربن طبری

آموزگار رازی در رشته پزشکی علی پسر ربن طبری^۲ است. وی پس از چیرگی تازیان بر مازیار (۲۲۴ق) سردار ایرانی سرزمین تبرستان، چون نمی خواست دست بسته تسلیم اعراب شود، خود را ده سال تحت ذمه جهودان، که پست‌ترین ملت نامسلمان زمان خود به شمار می آمدند، قرار داد تا بتواند بدین گونه از عرب زدگی دوری نماید.

تا سال ۲۳۲ که متوکل (د: ۲۴۷ق) با کودتایی ضد گنوسیستی بر مسند خلیفگی عباسی نشست و هدف خود را احیای تسنن سلفی و روی آوردن متعصبانه به سنت و کتاب دانست، و برای زنده کردن آن و کوتاه کردن دست معتزله که قدرت را در کف داشتند، از هیچ جنایتی رویگردان نشد، از کشتار وزیران و قضات معتزله تا انتقال پایتخت از بغداد به دمشق تا با این ترفند بتواند حکومت خود را از ایران و گنوسیسم ایرانی دور سازد و در شام از نیروهای سلفی امویان سود جوید که در هیچ کدام این هدف‌ها پیروز نشد.

^۱ همان جا، برگه ۳۸ (... هو سید اهل المشرق في انواع الحكمة ...)

^۲ ابوالحسن علی پسر سهل ربن طبری تا سال ۲۲۴ که سال شکست مازیار پسر قارون سردار طبری از معتصم خلیفه عباسی است، وزیر وی بوده که پس از آن به خدمت خلیفه معتصم و پس از او واثق و متوکل در می آید. از کتاب‌های وی دین و الدولة (نگارش: ۲۵۲ق)، چاپ قاهره با کوشش *Mingana* منغانه و کتاب حفظ الصحة و فردوس الحكمة في الطب (نگارش: ۲۳۶ق). نک: ذریعه، ۱۶، ۱۶۰ است.

Z: کتاب فردوس الحكمة في الطب با راهنمایی‌های دکتر علی نقی منزوی نویسنده این پیش گفتار مقاله گونه و ترجمه محمد ابراهیم ذاکر مترجم این کتاب، به پارسی برگردانده شد و در بهار سال ۱۳۹۱ خ و با همراهی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی شهید بهشتی در نخستین کنگره گیاهان دارویی توسط ریاست جمهور رونمایی شد.

هم چنین تاریخ الحکماء، قفطی، قفطی، چاپ لایبزیک ۱۹۰۳م، برگه ۲۳۱. وزیر جمال الدین، ابوالحسن علی پسر قاضی اشرف یوسف شیبانی قفطی معروف به «ابن قفطی» نسبت به «قفط» سرزمین مصر (۵۷۷ - ۶۴۶ق / ۱۱۶۷ - ۱۲۴۸م) نویسنده کتاب إخبار العلماء بأخبار الحکماء، شرح حال و آثار حکماء و علماء، فلاسفه، پزشکان از دوران کهن تا زمان نگارش می باشد.

وی بیش از برادرش، واثق، سُنّت‌گرا بود، از این‌رو، آشکارا عرب‌ها و آرامی‌نژادان را که تربیتی سنی‌مآب داشتند، بر ایرانیان برتری می‌داد.^۱ از درشت‌خویی متوکل همان بس که به سال‌های ۲۳۵ و ۲۳۹ دستور داد نمازخانه‌های نوساز ذمیان ویران شود و ایشان نشانی بر پوشاک خود زبند و سوار اسب نشوند تا همه جا شناخته شوند. او علی بن جهم شاعر عرب نژاد سنی ناصبی را وادار می‌کرد بر ضد حضرت علی (ع)، معتزله و شیعه، شعر بسراید.

ابن‌اثیر تاریخ‌نگار در کتاب الکامل فی التاریخ این شاعر را یکی از ندیمان متوکل به شمار می‌آورد که در نشست‌های میخوارگی بالش بر شکم عباده مخنث بسته او را به رقص و پایکوبی وادار می‌کرد و تصنیف‌های توهین‌آمیز نسبت به امام علی (ع) می‌خوانده است.^۲

متوکل چنان به عربیت و سُنّت تعصب می‌ورزید که به نظر او همه ایرانیان مسلمان شده برای سرپیچی از فرمان تازیان به خاندان پیامبر می‌گرویدند و ایشان را ارج می‌نهادند. از آن جمله امام حسین (ع) سومین پیشوای شیعیان را که شهیدی بزرگوار می‌شمردند و آرامگاه او را در نینوای کربلا زیارتگاه و کعبه آرزوهای خود به شمار می‌آوردند، خارجی و دشمن اسلام دانسته فرمان ویران کردن آن زیارتگاه را می‌دهد و زمینش را به آب می‌بندد.^۳

^۱ مقاله «گنوسیسم اسلامی ایرانی از مأمون تا معتضد»، منزوی، «یکی قطره باران»، جشن دکتر زریاب خویی، چاپ ۱۳۷۰خ، برگه ۴۱۴ - ۴۱۵.
^۲ مقاله «گنوسیسم اسلامی ایران از مرگ متوکل تا مرگ مکتفی»، (منزوی) (یادنامه میرزا جعفر سلطان القرای) آذر ۱۳۷۰خ، دانشگاه تبریز، برگه ۲۶۶. هم‌چنین نک: الکامل فی التاریخ، ابن‌اثیر سال، ۲۳۵ تا ۲۳۹ق.

^۳ ابن‌اثیر، عزالدین بوالحسن علی «الکامل فی التاریخ»، سال ۲۳۷ق، چاپ قاهره، ۱۳۵۳ق، طبری چاپ وستنفلد، ج ۱۲، صفحه ۱۴۱۴ و ترجمه فارسی پاینده ۶۰۴۱ «تاریخ طبری» یا «تاریخ الرسل و الملوك» نگارنده محمد طبری ابوجعفر پسر جریر پسر یزید املی (۲۲۴ - ۳۱۰ق) طبقات اعلام الشیعة، سده ۴هـ، ۲۵۰؛ ترجمه فارسی تاریخ طبری، چاپ تهران، ابوالقاسم پاینده، ۱۳۵۴خ.

پسر ربن طبری جهود ترسا شده^۱ که می‌خواهد تسلیم عرب شود، اسلام می‌آورد و نام علی را برای خویش برمی‌گزیند و این چنین خود را به متوکل می‌شناساند.

اندیشه‌های رازی

رازی در چنین دوران و روزگاران و در خدمت این آموزگاران پرورش می‌یابد و آموزش می‌بیند و به یک جهان بینی و تفکر ویژه می‌رسد، اندیشمندی می‌شود که از یک سو ابن تغری وی را (... الطیب العلامة في علم الاوائل و صاحب المصنفات المشهورة...) می‌نامند^۲.

و از سوی دیگر قفطی درباره او چنین می‌گوید: (.. الرازي من أهل الري، أوحده دهره و فرید عصره قد جمع المعرفة بعلمو القدماء لاسيما في الطب...) ^۳

ویژگی دیگر رازی بر خلاف فیلسوفان و پزشکان هم دوره خود در این است که وی نظریات و آرای گذشتگان را با نقد و بررسی بیان می‌کند. در تشریح باورهای پیشینیان تنها به روایت کردن بسنده نمی‌کند، بلکه گفتار ایشان را با ژرف اندیشی و

^۱ تاریخ الحکماء قفطی چاپ لایپزیک، ۱۹۰۳ م، صفحه ۲۳۱ و مصر ۱۳۲۶ ق، صفحه ۱۵۵، درباره لقب «ربن» چنین گوید: «... و هو ابن سهل الطبری و ربن اسم سهل لأنه كان ربين اليهود...». طبری در کتاب خود دین و الدولة (نگارش: ۲۵۲ ق)، مسیحی بودن خود را پیش از مسلمانی تصریح می‌کند و طبری مورخ او را به عنوان کاتب نصرانی مازیار یاد کرده است و می‌افزاید ربن به سریانی «بزرگ ما، آموزگار ما» آمده است.

هم چنین نک: یاقوت حموی شهاب الدین ابوعبداله پسر عبدالله رومی (۶۲۶ - ۶۷۵ ق)، معجم البلدان، ج ۲، ۶۰۸ و ج ۳، ۵۰۷، افسست تهران، ۱۹۶۵ م و برگردان خودم (منزوی) ج ۲، ۴۰۳، چاپ تهران، ۱۳۸۳ خ به صورت اشتباه به جای ربن «زین» و «زرین» آمده است.

هم چنین نک: تجارب الامم «مشکویه رازی ابوعلی احمد پسر محمد پسر یعقوب (د: ۴۲۱ ق) ترجمه خودم (منزوی)، پانوش ج ۵، ۳۲۹ - ۳۳۰.

^۲ النجوم الزاهرة في أخبار ملوک مصر و قاهرة، چاپ قاهره، ۱۳۴۸ - ۱۳۶۹ ق، ج ۳، ۲۰۹، نگارنده کتاب النجوم الزاهرة ابوالمحاسن جمال الدین یوسف پسر تغری بردی اتابکی (۸۱۳ - ۸۷۴ ق). تحقیق جمال محمد محرز، فهیم محمد شلتوت، ابراهیم علی طرخان و جمال الدین شیال، ۱۶ جلد، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة، ۱۳۴۲ ق؛ دیگر چاپ ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ م.

^۳ إخبار العلماء بأخبار الحکماء، قفطی، چاپ مصر ۱۳۲۶ ق، برگه ۱۷۹ به نقل از ندیم. هم چنین قفطی، تاریخ الحکماء، اختصار زوزنی، به کوشش یولیوس لیبرت، لایپزیک، ۱۹۰۳ م.

تفکر نیرومند خود به نقد می‌کشاند و نظریات فلسفی و علمی خود را در کنار آن بازگو می‌کند و استقلال فکری خویش را نشان می‌دهد. این ویژگی رازی را خاورشناس بزرگ والزر^۱ هنگام بررسی اخلاق فلسفی در اسلام در مقایسه با مشکویه^۲ به خوبی آشکار می‌کند.

این ویژگی رازی موجب بیشتر شدن ملامت‌ها و تهمت‌ها و ناسزاگویی‌ها به وی می‌شود، که نمونه آن گفتگو با ابوحاتم رازی^۳ درباره قدیم‌بودن زمان و مکان است که گویند: آن چه ابوحاتم در مخالفت با او بدان متمسک شده است سخن ارسطو می‌باشد و آن چه رازی گفته، سخن افلاطون است.

صاعد اندلسی نیز گوید:^۴ ... و يعطى شرحاً عن الطبيب الرازي الذي يعتبره مشنعاً على ارسطوطاليس و تابعاً لتعليم الفيثاغوري... / ... رازی از ارسطو کناره‌گیری کرده و بر او ایرادها گرفته و از افلاطون و برخی دیگر از فیلسوفان قدیم جدا شده و پیرو مکتب فیثاغورثی؛ یا مادی شده است.^۵

^۱ Richard Walzer نویسنده بخش اخلاق در دایرةالمعارف اسلام، تأثیر فلسفه یونان در اسلام، برگه ۲۲۰.

^۲ مشکویه، ابوعلی احمد پسر محمد پسر یعقوب رازی (د: ۴۲۱ق) تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق یا طهارة الاعراق نک: ذریعه، ج ۱۵، ۱۸۸؛ و تجارب الأمم و تعاقب الهمم نک: ذریعه، ج ۳، ۳۴۷ و نک: طبقات اعلام الشيعة، سده ۵هـ، ۲۸۵.

^۳ ابوحاتم احمد پسر حمدان پسر احمد رازی، ورسامی (ورستانی)، ابن حجر عسقلانی ابوالفضل احمد پسر علی (۷۷۳ - ۸۵۲ق) در لسان المیزان، چاپ حیدرآباد هند، ۱۳۲۹ق، ج ۱، ۱۶۴، درگذشت او را (۳۲۲ق) بیان می‌کند. وی از داعیان به نام اسماعیلیه و از معاصران رازی است که گفتگوهای خود را با او در کتابی به نام اعلام النبوة گردآوری کرده است. نک: أعلام النبوة، تحقیق و تصحیح و مقدمه صلاح الصّاوی و غلامرضا اعوانی به همراه مقدمه انگلیسی حسین نصر، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ۱۳۹۷ق / ۱۳۵۶خ. هم‌چنین نک: اعلام النبوة، برگه ۳۰۷ و ذریعه، ج ۱۰، ۲۵۲ پانوشت.

^۴ قاضی ابوالقاسم صاعد پسر احمد پسر صاعد اندلسی در قرطبه Cordeba اسپانیا در (۴۲۰ق / ۱۰۲۹م) چشم به جهان گشود و در شهر طلیله Toledo اسپانیا به سال (۴۶۲ق / ۱۰۶۹م) درگذشت. نویسنده طبقات الأمم، چاپ بیروت ۱۹۱۷م توسط کشیش (پدر) لویس شیخو، برگردان جلال‌الدین تهران ضمیمه گاهنامه ۱۳۱۰خ.

^۵ طبقات الأمم صاعد اندلسی، ۱۹۸۵م، برگه ۲۲ و ۱۳۷

رازی عقیده به قدیم‌بودن اشیاء خمسسه^۱ از آن جمله زمان و مکان دارد.^۲

مسعودی^۳ و مقدسی^۴ این باور را به زرتشتیان و ثنویان نسبت می‌دهند از این رو است، برخی گمان دارند که جهان بینی و دیدگاه فلسفی رازی به ثنویت و زرتشتی گرایش دارد. کتاب‌های «طب الروحانی»^۵ و «علم الهی»^۶ وی را مورد حمله و اتهام قرار می‌دهند، چون رازی آشکارا در «رسائل الفلسفیه»^۷ با وجود تناقضی که میان قدیم‌بودن این پنج اصل به نظر می‌رسد (باری و نفس^۸ و زمان و مکان هیولی^۹) آن را می‌پذیرد و از آن دفاع می‌کند.

ابوحاتم رازی گوید: ... و به او گفتم مرا از باور خود درباره قدم اشیاء پنجگانه که باری، نفس، هیولی و مکان و زمان است آگاه کن، که آیا فیلسوفان با تو در این باره همراه اند و یا مخالف می‌باشند؟ ...

^۱ القول في القدماء الخمسه، ۲۶ برگه، بخشی از رسائل الفلسفیه رازی است. نک: ذریعه، ج ۱۰، ۲۵۲، ندیم «الفهرست»، تجدد، برگه ۳۵۷ و ۳۵۸.

^۲ القول في الزمان و المكان، ۳۰ برگه از «رسائل الفلسفیه» ذریعه، ج ۱۰، ۲۵۲؛ ذریعه، ج ۱۷، ۲۱۳.

^۳ تنبیه و الاشراف (نگارش: ۳۴۴ق)، ذ ۴: ۳۸۹، به کوشش دخویه، چاپ لیدن ۱۸۹۳م، هشت جلد. نوشته مسعودی بوالحسن علی پسر حسین پسر علی بغدادی (د: ۳۴۵ق)، چاپ دیگر به کوشش عبدالله اسماعیل صاوی ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸م با تعلیقات بر چاپ دخویه در مصر چاپ شد و برگردان ابوالقاسم پاینده از روی آن انجام گرفت، چاپ تهران ۱۳۴۹خ، برگه ۸۷.

^۴ البدء و التاريخ، ج ۴، ۲۵، مقدسی مطهر پسر طاهر، چاپ ۱۹۱۹ - ۱۸۹۹م.

^۵ «طب الروحانی» از «رسائل الفلسفیه» رازی ذ ۱۰: ۲۵۲ و ذ ۱۵: ۱۴۲ که ۹۶ برگه می‌باشد. محمد فرزند زکریای رازی، رسائل فلسفیه، به کوشش پاول کراوس، قاهره، ۱۹۳۴م.

^۶ «علم الهی» از رسائل الفلسفیه رازی ذ ۱۰: ۲۵۲ و ۶ برگه می‌باشد.

^۷ «رسائل الفلسفیه» ابوبکر محمد پسر زکریا رازی ذریعه، ج ۱۰، ۲۵۲ شماره ۸۲۱ بخش نخست آن را پاول کراوس Paul Kraus در ۱۹۳۹م در مصر به چاپ رسانید. دارای ۳۱۶ برگه است که ۹۶ برگه آن «طب الروحانی» و ۱۶ برگه آن «سیره الفلسفیه» و ۲۲ برگه «مقاله فیما بعدالطبیعه» و ۴ برگه «مقاله فی امارات الاقبال و الدوله» و ۲۶ برگه آن کتاب «لذت» و ۶ برگه آن کتاب «علم الالهی» و ۲۶ برگه آن «قول فی القدماء الخمسه» و ۲۴ برگه آن «قول فی الهیولی» و ۴۰ برگه آن «قول فی الزمان و المكان» و ۱۰ صفحه «قول فی النفس و العالم» و ۲۶ برگه مناظرات ابوحاتم با بوبکر رازی که این بخش آخر، از کتاب «اعلام النبوه» ابوحاتم رازی، غیر از آنی که در ذریعه، ج ۱۰، ۲۲۳ آمده است، می‌باشد.

^۸ «القول فی النفس و العالم» ۱۰ برگه «رسائل الفلسفیه» رازی، نک: ذریعه، ج ۱۰، ۲۵۲.

^۹ «القول فی الهیولی» ۲۴ برگه «رسائل الفلسفیه» رازی، نک: ذریعه، ج ۱۰، ۲۵۲.

رازی، پزشکی فیلسوف

۸

رازی در پاسخ می‌گوید فلاسفه کهن در این باره نظرات گوناگونی دارند، ولی من با گفتگو و پژوهش‌های بسیار به پایه‌های این مسأله (قدیم‌بودن) دست یافتم و بر این باورم که این حقیقتی می‌باشد که نمی‌توان آن را رد نمود.^۱

ناصر خسرو نیز به باور رازی در قدم اشیاء خمسه از راه کتب «علم‌الالهی»^۲ دست پیدا می‌کند و بر او و باورهایش می‌تازد.^۳

رازی در ستایش خرد چنین گوید:^۴ ... خرد بزرگترین موهبت خداوند به ماست و هیچ چیز نیست که در سودرسانی و بهره‌بخشی بر آن درآید.

با خرد بر چهارپایان ناگویا برتری یافته‌ایم، چندان که بر آنان چیرگی می‌ورزیم و آنان را به کام خود می‌گردانیم ...

با خرد بدان چه ما را برتر می‌سازد و زندگانی ما را شیرین و گوارا می‌کند، دست می‌یابیم ...

پزشکی با همه سودهایی که برای تن دارد و تمام فنون دیگر که به ما فایده می‌رساند در پرتو خرد حاصل آمده است ...

شکل زمین و آسمان و عظمت خورشید و ماه و دیگر اختران و ابعاد جنبش‌های آنان را دانسته‌ایم. حتی به شناخت آفریدگار بزرگ نایل آمده‌ایم...^۵

^۱ اعلام النبوة، ابوحاتم رازی برگه ۶، ذریعه، ج ۱۰، ۲۵۲، پانوش.

^۲ رسائل الفلسفیه، سیره الفلسفیه رازی، برگه ۱۶۶.

^۳ زادالمسافرین، ناصر خسرو برگه ۵۲، ۵۳، ۷۳، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳.

^۴ فیلسوف ری، دکتر مهدی محقق، چاپ تهران، ۱۳۵۲ خ، برگه ۱۶۶.

^۵ بخش نخست کتاب فی نقض الطب الروحاني علي بن التمار، رازی این کتاب را در رد کتاب ابوبکر حسین تمار ده‌ری بر کتاب طب الروحاني خود نوشته است.

گمان می‌رود این دیدگاه رازی بر گروهی از اندیشمندان اسلامی به ویژه اسماعیلیه بسیار گران آمد؛ زیرا آن‌ها حتی خداشناسی را نیز وابسته به خرد نمی‌دانستند؛ بلکه آن را وابسته به آموزش امام می‌دانستند.^۱ از این رو، ایشان را گروه تعلیمی گفته‌اند.^۲

همانند آن چه که رازی در برتری خرد آورده، در گفتار ابن‌راوندی^۳ نیز آمده است که با آن پیامبری را رد می‌کند. همان گونه که سخن رازی مورد رد و نقض ابوحاتم قرار گرفت سخنان ابن‌راوندی نیز مورد نقد مؤیدالدین شیرازی از دعوات بزرگ اسماعیلیه قرار می‌گیرد.^۴

آشکار است که مسأله برتری عقل و فضیلت خرد بیش از همه در آرای شیعیان و معتقدان به امامان بزرگ دیده می‌شود، چون اهل سنت و جماعت نیز برای دفاع از مسأله پیامبری به رد خرد پرداخته‌اند و می‌گویند که خرد نباید در این امور نقش بنیادین داشته باشد. این آغاز اختلاف دیدگاه پیروان خاندان پیامبر با اهل سنت و جماعت می‌باشد. چون ایشان آموزش از پایگاه نبوت را در همه امور زندگانی در دنیا و آخرت برای همه، مورد نیاز می‌دانند.

ماتریدی^۵ بخش بزرگ از کتاب خود را ویژه اثبات مسأله پیامبری و رد منکران آن قرار داده است.

^۱ جامع التواریخ» ذ ۲۶۹:۳ و ذریعه، ج ۵، ۴۶ به کوشش شادروان محمدتقی دانش پژوه تهران ۱۳۳۸خ، رشیدالدین فضل‌الله همدانی پسر ابوالخیر (د: ۷۱۸ق) بخش اسماعیلیه، برگه ۱۳.

^۲ فضائح الباطنية، حجة الاسلام ابوحامد امام محمد پسر محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق)، چاپ قاهره، برگه ۱۷ [... و اما التعلیمة فانهم لُقّبوا بها لأنّ مذاهبهم إبطال الرأی و إبطال و إفساد التعلیم (تصرف العقول و دعوة الخلق إلى التعلیم من الامام المعصوم...)].

^۳ ابن‌راوندی ابوالحسین احمد پسر حسین (یحیی) پسر محمد (د: ۲۴۵ق)

^۴ - کتاب الزمرد ابن‌راوندی در آن به رد پیامبری پرداخته است که اصل آن از میان رفته و تنها بخش‌هایی که توسط داعی الدعاة شیرازی در مجالس المؤیدیه نقد شده، موجود می‌باشد.

^۵ ماتریدی: ابومنصور محمد پسر محمود ماتریدی که به محله‌ای در سمرقند وابستگی دارد که آن را «ماتریت» نیز خوانند. وی به سال ۳۳۳ق درگذشت، دانشمندی معروف و حنفی مذهب بود که کتاب التوحید؛ و کتاب المقامات؛ و رد اهل الدولة؛ و بیان اوهام المعتزلة؛ و رد الاصول الخمسة لابی محمد البهلی؛ و رد الامامة لبعض الروافض و الرد علی القرامطة را نگاشته است.

نک: تعلیقات تاریخ بیهقی با تصحیح سعید نفیسی، ج ۲، ۹۶۴.

رازی، پزشکی فیلسوف

۱۰

وی منکران پیامبری را به سه گروه بخش می‌کند:

- گروه نخست منکران خدا هستند؛

- گروه دوم خدا را می‌پذیرند، ولی فرمان‌های او را ردّ می‌کند؛

- و گروه سوم هم خدا و هم فرامین او را می‌پذیرند، ولی گمان دارند که عقل، آدمی را از پیامبری بی‌نیاز می‌سازد. وی هر چه را که مخالفان به راهنمایی خرد نسبت می‌دهند بر پایه آموزش پیامبران قرار می‌نهد.^۱

از مقایسه گفتار رازی و ماتریدی به خوبی آشکار می‌شود که هر چه را رازی به خرد وابسته می‌کند، ماتریدی آن را از وابستگی عقل بیرون ساخته به آموزش پیامبران نسبت می‌دهد.

بی‌گمان اندیشه‌های رازی در این راستا، مورد پسند نمی‌باشد و مورد ردّ و نقص مخالفین گنوسیسم هندوایرانی واقع می‌شود و تا به جایی می‌رسد که مورد تاخت و تاز ناسزاگویان قرار می‌گیرد.

مناظره و گفتگوهای علمی رازی با همگنانش

ویژگی دیگر رازی گفتگو و مناظره با پزشکان، فیلسوفان و متکلمان هم دوره خود است که به ردّ و نقض یکدیگر می‌انجامد از آن جمله:

دکتر علی نقی نیشزوی

^۱ کتاب التوحید، ماتریدی، برگه ۱۷۹. هم‌چنین نک: نهاية الأقدام في علم الکلام، برگه ۴۲۶، ابوالفتح محمد پسر ابوالقاسم عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، تصحیح آلفرد گیوم، آکسفورد، ۱۳۱۲ق / ۱۹۳۴؛ افسر قاهره (بی‌تا)؛ دیگر: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۵ق. نگارنده ملل و النحل.

- **مناظره ابوالقاسم عبدالله** پسر احمد پسر محمود کعبی بلخی^۱ (د: ۳۱۹ق) رئیس معتزله بغداد با رازی درباره تفسیر فلسفی زمان است. او در جایی دیگر رساله «علم الالهي»^۲ رازی را نقد کرده است که رازی ناگزیر می‌شود نقضی بر نقد وی بنگارد.^۳

نقد رازی را بلخی مجدداً ردّ می‌کند و رازی ردّ او را دوباره پاسخ می‌دهد.^۴

خوشبختانه این رد و بدل شدن نقدها به صورت دست‌نوشته در برخی از کتابخانه‌های ایران و جهان وجود دارد.^۵

- **گفتگوی دیگر با احمد مسمعی** پسر حسن معروف به ابن‌زرقان که از متکلمان معروف معتزله و از یاران نظام بوده است. رازی با وی درباره مسئله قدم هیولی مناظره دارد، رساله رازی با عنوان «ردّ بر مسمعی در ردّ او بر قائلان به قدم هیولی» می‌باشد.^۶

^۱ طبقات المعتزله، ابن مرتضی، احمد پسر یحیی پسر مرتضی، چاپ بیروت، ۱۳۸۰ق، برگه ۸۹، سال درگذشت کعبی به روایت ابن تغری در «نجوم الزاهرة، جلد سوم، برگه ۲۳۲ و به روایت ذهبی از تذکرة الحفاظ.

^۲ بیرونی رساله فی فهرست کتب الرازی، شماره ۶۲، به کوشش پول کراوس پاریس ۱۹۳۶م، ماجری بینة و بین ابی القاسم الکعبی فی الزمان، قفطی، إخبار العلماء، برگه ۱۸۰، چاپ مصر، ۱۳۲۶ق.

^۳ ابن‌ابی‌اصبیعه شماره ۵۵ برگه ۴۲۵ «کتاب فی نقض کتاب البلخی للکتاب العلم الالهی، عیون الانباء، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۲۳؛ فهرست، ندیم، تجدد، برگه ۳۵۸.

^۴ ابن‌ابی‌اصبیعه، شماره ۹۲ لرگه ۴۲۳، کتاب «فی الردّ علی ابی القاسم البلخی فی ناقض به المقالة الثانية من کتابه فی العلم الالهی»، نک: عیون، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۱۸؛ ذریعه، ج ۱۰، ۱۸۱: ۱۰۱۸۱؛ ندیم، الفهرست، برگه ۴۱۸، چاپ مصر ۱۳۴۸ق، تجدد، برگه ۳۵۸.

^۵ ابن‌ابی‌اصبیعه شماره ۹۲، برگه ۴۲۳، عیون الانباء، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۱۸؛ قفطی إخبار العلماء، مصر، ۱۳۲۶ق، برگه ۱۸۰: کتاب إلى ابی القاسم البلخی و الزیادة علی جوابه و جواب هذا الجواب.

^۶ مسعودی، تنبیه و الاشراف، چاپ بغداد، ۱۳۵۷ق، برگه ۳۴۲.

قفطی این رساله را بدین گونه نام می‌برد: [... کتاب «في الردّ على المسمّعي المتكلم على اصحاب الهیولی» و کتاب «في المدة و هي زمان» و «في الخلاء والملاء و هما المكان»...]^۱

بحث رازی درباره لذت

- گفتگوی دیگر با ابوالحسن شهید بلخی^۲ ندیم می‌گوید^۳: در زمان رازی مردی با شهرت شهید پسر حسین بود که در علوم، روش فلسفه را پیروی می‌کرد. از جمله بحث‌های مورد گفتگو ایشان مسئله لذت است.^۴

دیدگاه رازی درباره لذت را می‌توان با کنکاش در تألیفات او چون «طب روحانی» و «سیرت فلسفی» پیدا کرد.

رازی در این دو دست‌نوشته از باور خود درباره لذت سخن می‌گوید: [... وی لذت را برگشت به حالت اولیه و طبیعی، پس از بیرون آمدن از آن، توسط فاکتورهای آسیب‌رسان می‌داند.

او پس از یادکردن نمونه می‌گوید: فیلسوفان طبیعی لذت را این گونه تعریف کرده‌اند، زیرا لذت نزد ایشان برگشت به طبیعت نخستین آدمی است...]^۵.

او در «طب الروحانی» به داشتن کتابی با نام «في ماهیه اللذّه» تأکید می‌نماید.

گمان می‌رود این همان رساله‌ای است که ابوریحان آن را با نام «في اللذّه»^۶ در لیست کتاب‌های رازی آورده است.

^۱ بیرونی، رساله في فهرست كتب الرازي، شماره ۵۸؛ ابن‌ابی‌اصیبعه، عیون الانباء، شماره ۸۴، برگه ۴۲۳. نک: ذریعه، ج ۱۰، ۱۷۹، «الرد علی ابن الیمان في نقضه علی المسمّعي؛ ندیم، الفهرست، صفحه ۴۱۸، چاپ مصر، ۱۳۴۸ ق، تجدید، چاپ تهران، برگه ۳۵۸؛ ذریعه، ج ۱۰: ۲۲۴: الردّ المسمّعي المتكلم في رده علی اصحاب هیولی»

^۲ یاقوت حموی، معجم البلدان، چاپ لایبزیگ، ۱۸۶۶ م، ج ۲، ۱۶۷ و ۱۶۸، ترجمه خودم (منزوی)، ج ۲، ۱۱۴.

^۳ ندیم، الفهرست، برگه ۲۹۹، چاپ فلوگل، تجدید، تهران، برگه ۳۵۷.

^۴ بیرونی، رساله شماره ۶۵، با نام فیما جرى بینہ و بین شهید البلخي في اللذّه؛ ابن‌ابی‌اصیبعه، عیون الانباء، شماره ۱۱۴، برگه ۴۲۵ و برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۲۲: کتاب في نقضه علی علي بن شهيد البلخي فيما ناقضه به في أمر اللذّه؛ فهرست، ندیم، تجدید، برگه ۳۵۸.

^۵ رازی طب الروحانی، برگه ۳۷.

^۶ بیرونی، رساله في فهرست كتب الرازي، شماره ۶۴.

متأسفانه هیچ کدام از این کتاب‌ها و هم‌چنین گفتگوهای رازی با شهید بلخی و حتی نوشته‌های خود رازی درباره لذت در دست نیست. تنها بخش‌هایی از این دست‌نوشته‌ها در زادالمسافرین ناصر خسرو موجود است که برای ردّ و نقض آرای رازی آمده است.

ناصر خسرو در قول هجدهم کتاب، بخش «اندر اثبات لذات» چنین می‌گوید: ... قول محمد زکریا آن است که گوید لذت چیزی نیست، مگر راحتی از رنج و لذت نباشد، مگر بر اثر رنج.

و گوید: چون لذت پیوسته شود، رنج می‌گردد ...^۱

رازی در مسأله لذت پیرو افلاطون و فیلسوفان طبیعی (مادی‌نگر) می‌باشد، در حالی که مخالفان او دنباله‌رو ارسطو می‌باشند.

رازی در کتاب الشکوک خود می‌گوید:^۲ افلاطون و سایر طبیبان اجماع کرده‌اند بر این که لذت عبارت از برگشت به طبیعت به وسیله راحت یافتن از درد و آسیبی است که به آدمی رسیده است.

موضوع دیگری که در میان رازی و بلخی به بحث گذاشته شده نقد باور شهید بلخی درباره معاد می‌باشد که رازی آن را ردّ می‌کند.^۳

گفتگوی دیگر با ابوالعباس ناشی بزرگ عبدالله پسر محمد است^۴ که سال ۲۹۳ق در مصر چشم از جهان فروبست. وی در ادبیات عرب مهارت بسیار داشته چنان که نحویان را نقض می‌کرده و شبهاتی بر قواعد عروض وارد کرده است.^۵ وی مانند

^۱ زادالمسافرین، ناصر خسرو، قول هجدهم

^۲ شکوک علی جالینوس، رازی، به کوشش دکتر مهدی محقق، تهران ۱۳۷۲خ، ۱۴۱۳ق، برگه ۱۷

^۳ رساله فی فهرست کتب الرازی، بیرونی، شماره ۱۴۱، ابن ابی اصیبعه، عیون الأبناء شماره ۱۶۴، برگه ۴۲۶ «کتاب إلی علی بن شهید البلخی فی تثبیت المعاد، هدف کتاب نقد بلخی و کسانی است که روز رستاخیز را ردّ می‌کنند و ثابت کردن آن است

^۴ طبقات المتعزله، ابن مرتضی، برگه ۹۳، بیروت، ۱۳۸۰ق

^۵ وفيات الأعیان و أبناء أبناء الزمان مما ثبت بالنقل والسمع و أثبتت العیان، ابن خلکان شمس‌الدین احمد پسر محمد پسر ابراهیم الاربلی برمکی (۶۰۸ - ۶۸۱ق)، ج ۳، ۲۷۷.

جاحظ، ابوعثمان عمرو پسر بحر بصری کنانی ولا (۱۶۳ - ۲۵۵ق) به ردّ دانش پزشکی پرداخته و رازی ناگزیر شده که ردّ او را با عنوان «الردّ علی الاناشی فی نقضه الطب نقد و نقض کند»^۱

و گفتگوی دیگر با سرخسی احمد پسر محمد ابو طیب^۲ (۲۸۶ق = ۸۹۹م) است که آشنایی کامل بر دانش گذشتگان و ادبیات عربان داشته و کتاب‌ها و رساله‌های گوناگون در رشته‌های مختلف علمی از او به یادگار مانده است.^۳ وی شاگرد یعقوب پسر اسحاق کنندی^۴ (۲۶۰ق) بود.

رازی در کتاب الشکوک علی جالینوس، هنگامی که نظریات خود را بر کتاب الأدویة المفردة جالینوس یاد می‌کند، در راستای کارکرد دارو از جهت «مزه» چنین می‌گوید: ... و قد افردنا لهذا المطالبات مقالة جعلنا رسمها فی الردّ علی احمد بن طیب السرخسی فی امر طعم المرّ...^۵

و گفتگوی دیگر با احمد پسر کیال^۶ (د ۲۷۰ق) می‌باشد. وی از اندیشمندان سده سوم هجری است که گرایشات اسماعیلی و گنوستیکی^۷ داشته است.

^۱ ذریعه، ج ۱۰، ۲۳۰؛ و بیرونی رساله شماره ۵، «اخبار العلماء» قفطی، قاهره ۱۳۲۶ق، برگه ۱۸۰ کتاب الردّ علی الجاحظ فی نقض الطب؛ و هم‌چنین ذریعه، ج ۱۰، ۱۹۲؛ و ندیم الفهرست، ۱۳۴۸ق، مصر، برگه ۴۱۸.

^۲ طبقات الامم» صاعد اندلسی، بیروت، ۱۹۸۵م، برگه ۱۳۶؛ ارشاد الأریب، یاقوت حموی، قاهره، ۱۹۲۴م، ج ۱، ۱۵۸.

^۳ فهرست ندیم، صفحه ۲۶۲، چاپ فلوگل؛ عیون الانباء؛ ابن ابی اصیبعه، برگه ۲۴۲، دستگیری سرخسی را توسط معتضد خلیفه عباسی به سال ۲۸۳ق و کشته شدن او را در محرم ۲۸۶ق یاد می‌نماید؛ آثار الباقیه، بیرونی، برگه ۱۳۲.

^۴ طبقات الامم، صاعد اندلسی، بیروت ۱۹۸۵م، برگه ۱۳۷.

^۵ رساله فی فهرست کتب الرازی، شماره ۷۲، بیرونی، پول کراوس ۱۹۳۶م، پاریس؛ عیون الأنبیاء، بیروت، ۱۹۶۵م، برگه ۴۲۳ ابن ابی اصیبعه، «مقاله فی الردّ علی احمد بن الطیب السرخسی فیما رد علی جالینوس فی امر طعم المرّ؛ الشکوک علی جالینوس، رازی به کوشش دکتر مهدی محقق، چاپ تهران، ۱۳۷۲خ، برگه ۵۱.

^۶ بدء و التاريخ، مقدسی، پاریس، ۱۸۹۹م - ۱۹۱۹م، ج ۵، ۱۲۴؛

^۷ نامه‌های عین القضاة، جلد سوم، چاپ تهران، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ۴۲ - ۴۸، نوشته خودم (منزوی)

کلذریهر اندیشه‌های گنوستیک ایرانی را که در سده (۷م) به صورت‌های مانوی، دیصانی، مرقیونی، در خاورمیانه بود، همه را مسیحیت خاوری نامیده است، در حالی که این مذهب‌ها آریایی و ثنوی بودند. کلاً افکار هندوایرانی که از شرق دجله تا چین و ژاپن ادامه می‌یابد، گنوسیسم هندوایرانی می‌نامند که شامل افکار زرتشتی، مانوی در ایران، ودایی در هند، بودایی در چین و ژاپن می‌باشد.

ابن سینا و سهروردی فلسفه ایران باستان را اشراق نامیده و آن را نوع گنوس *Gnos* نشان می‌دهند، واژه گنوس از ریشه یونانی، خرد، بینش و عرفان است و مسلکی بوده است که با میترائیسم از خاورزمین به اروپا رفت و با پیروزی مسیحیت نابود شد.

در دوران ساسانی گنوسیزم و عرفان ایرانی که با پوشش آئین زرتشتی پایه‌ی ایدئولوژیک حکومت را تشکیل می‌داد، در دانشگاه‌های گندی شاپور، بابل، تیسفون، حران و نصیبین تدریس می‌شد. در آن زمان مخالفان، درست همان عرفان را با اندک اختلاف در برخی مسائل فلسفی چون جبر و اختیار که جنبه سیاسی داشت در لباس مذهب مانی و مزدک تبلیغ می‌کردند. در کتاب مختصر منطق ارسطو که پولس برسا برای انوشیروان نگاشت بیشتر مسائل کلامی که در سه سده نخست اسلام مطرح شده، دیده می‌شود (کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان)، پس از یورش اعراب مدتی این دانشگاه‌ها تعطیل شدند، ولی با فعالیت دوباره آن‌ها گویی هیچ رویدادی، جز تغییر زبان رسمی رخ نداده بود، گنوسیست‌های زرتشتی و زروانی موافق دولت ساسانی، از دوره عبدالملک مروان به نام صوفی شناخته شدند و گنوسیست‌های مخالف دولت به صورت مخالفان خلفا آشکار گشتند. با آن که اصول اشراقی در هر دو گروه یکی بوده به سبب اختلاف شدید سیاسی هیچ گاه این دو گروه زیر یک نام درنیامدند (قضا و قدر در ادبیات فارسی، کاوه، مونیخ، شماره ۴۱-۴۲، سال دهم، مرداد ۱۳۵۱ خ، برگه‌ها با شمارگان رومی *XIV-I*، پس از برگه ۱۶۸). خیاط (د: ۳۰۰ق / ۹۱۲م) در الانتصار، چاپ ۱۹۵۸، برگه ۳۴ این لطیفه و لطیف را به معنی روح گرفته‌اند و ثعالبی تصوف را طریقه الساسانیه نامیده است (یتیمه الدهر، ۳، ۳۵۶ و ۳۵۷).

هجویری هندوان، شیعه و قرامطه را روحانی خوانده است (کشف المحجوب، صفحه ۳۳۷-۳۴۲). سهروردی تصوف را فلسفه خسروانی نامیده است. شیعیان پیرو این فلسفه در کوه‌های لبنان خود را کسروانی می‌نامند که این نام تا کنون هم بر آن کوه‌ها مانده است. عطار نیز فلسفه خویش را روحانی می‌نامد. (خاتمه کتاب منطق الطیر داستان‌های ۲ و ۵، شهرستانی (د: ۵۴۸ق / ۱۱۵۲م) در آغاز بخش دوم کتاب ملل و نحل، روحانی را در برابر حنیف نهاده است. حنیف‌گرایی مسلکی بود که اندکی پیش از اسلام در اثر تماس عرب با جهودان و ترسایان در بیابان‌ها، پدیدار گشته بود، چون واژه حنیف در چند جای قرآن به معنی یکتاپرست آمده، شهرستانی آن را شامل سنیان مسلمان و جهودان دانسته، مخالف آن را «اصحاب الروحانیات» شامل هندوان، و صابنیان (ماندایی‌ها) شمرده است، سپس او در آن جا مسائل حساس مورد اختلاف میان این دو اندیشه را به صورت محاوره‌ای پرسش و پاسخ یاد کرده است. این گفتگو خود نمودار روشنی از اختلاف در اندیشه آریایی و سامی را نشان می‌دهد. در یک سو اندیشه

او بر پادارنده آیینی با نام «کیاله» می‌باشد. دانشمندان اسلامی این فرقه را جزو گروه‌های شیعه به شمار می‌آورند و اهل سنت و جماعت ایشان را ملحد و گمراه می‌دانند. رازی با وی درباره موضوع امامت مناظره داشته است.^۱

گفتگوی آخر رازی با سهیل بلخی (سده سوم و چهارم) است که در راستای اثبات معاد می‌باشد، قفطی در إخبار العلماء بأخبار الحكماء، برگه ۱۸۰، آن را با عنوان «الردّ علی سهیل البلخی فی تثبیت المعاد آورده است. گفتگوی وی با بلخی درباره لذت است.^۲

در پایان با توجه به حرفه فهرست‌نگاری که از پدرما شادروان آیت‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی دارنده دو دائرةالمعارف بزرگ جهان تشیع الذریعة إلى تصانیف الشيعة و طبقات أعلام الشيعة به من و برادرم، احمد منزوی، به ارث رسیده است، درباره ویژگی دیگر رازی که در میان پزشکان و فیلسوفان پیش و پس از او کمتر دیده می‌شود، سخن می‌گوییم و آن جنبه فهرست‌نگاری در آثار رازی است.

به طور خلاصه باید بگوییم کهن‌ترین فهرست‌های موجود به آموزگار رازی، جالینوس پرگاموسی (۱۳۰ - ۲۰۰م) تعلق دارد که برای نگاشته‌های خود تهیه کرده است، به نام «پیناکس» که در تازی به «فینکس»^۳ شناخته می‌شود. این فهرست شامل دو بخش است:

- یکی آثار پزشکی؛

- و دیگری نگاشته‌های فلسفی، منطقی و دستوری (گرامری) است.

روحانی و توحید اشرافی هندوایرانی و در سوی دیگر اندیشه مادی توحید عددی سامیان (جهودان و عربان) دیده می‌شود. با همه کوشش‌های شهرستانی که خود نیز سنی اشعری است باز هم نتوانسته ماده گرایی نخستین حنیفیان و متافیزیسم روحانیان را پنهان دارد. این نزدیکی شیعه به فکر هندی و سنی به اندیشه یهود، در مسأله روان و تن، در موضوع معاد و معراج و جاهای دیگر نیز دیده می‌شود، ابن‌سینا در اضحویه می‌گوید: مجوسان معاد را روحانی و یهود آن را جسمانی شمرده‌اند.

^۱ ذریعه، ج ۱۰، ۲۰۱؛ فهرست، ندیم، برگه ۴۱۹، مصر، ۱۳۴۸ق؛ إخبار العلماء، قفطی، برگه ۱۸۰، با نام کتاب النقص علی الکیال فی الامامة.

^۲ فهرست، ندیم، تجدد، ف، برگه ۵۳۳ با نام کتاب نقض علی سهیل البلخی.

^۳ فینکس، جالینوس، میکروفیلم شماره ۲۰۶۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

وی سن خود را در هنگام نگارش هر اثر و انگیزه نگارش هر یک را در این فهرست یادآوری می‌کند که در برگزیده یک صد و بیست و نُه اثر است که به دست ایوب رهاوی سُریانی معروف به «ابرش بغدادی» از یونانی به سریانی ترجمه شد و حنین پسر اسحاق آن را از سریانی به عربی ترجمه و گزارش نمود.^۱

دومین فهرست کهن که رازی پیوستی بر آن دارد فهرست ابوزید حنین پسر اسحاق عبادی (۱۹۴ - ۲۶۰ / ۸۱۰ - ۸۷۳م) برای کتاب‌های جالینوس گردآوری کرده، شایسته است در این جا بیوگرافی کوتاهی را برای پایه‌گذار ترجمه در دوران خلافت مأمون بازگو نمایم.

وی پزشک عالی مقام و مترجم زبردست و پُرکار سده سوم هجرت است و به زبان‌های یونانی، سریانی، پهلوی و عربی چیره بوده است. زادگاه او شهر حیره ۱۸ کیلومتری نجف کنونی که کمتر از دو سده پیش از تولدش پایتخت حکمرانان عرب وابسته به خاندان ساسانی هم‌چون خاندان مندریان و نعمان پسر منذر می‌باشد.

در گوشه باختری ایران آن روز سرزمینی است، مثلثی شکل که گوشه خاوری آن گندیشاپور و گوشه شمالی آن سورا در مرکز علمی جهان آن روز بوده است. او در این بخش چشم به جهان گشود، پرورش یافت و آموزش دید. وی به بغداد آمد و در خدمت مأمون خلیفه عباسی رهبری دارالترجمه خلافت را پذیرفت و در آن جا افزون بر ترجمه‌های خود، ترجمه دانشمندان دیگر را نیز ویرایش کرد.^۲

^۱ مقدمه حنین پسر اسحاق بر ترجمه عربی فهرست جالینوس.

^۲ زندگی‌نامه حنین را ابن خلکان در وفیات الاعیان، برگه ۴۵۵ و ندیم در فهرست چاپ تجدد، تهران، برگه ۳۵۲ و ابن ابی‌اصیبه «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» ج ۱، ۱۸۴ و ابن جرجل در طبقات الحکماء آورده‌اند. و گابریلی زندگی‌نامه و نگارش‌های او را در مقاله‌ای در مجله «ایزیس» با نام *Hunayn Ibn Ishaq* Isis Vol 6, 1924, pp282-296 (دکتر ماکس میرهوف زندگانی‌نامه او را در پیش‌گفتار پژوهش کارانه کتاب عشر مقالات فی العین تألیف حنین، چاپ قاهره، ۱۹۲۸م، به دو زبان انگلیسی و عربی آورده‌اند ترجمه انگلیسی و شرح «اصطلاحات و نام‌های پزشکی» دکتر ماکس میرهوف.

یکی از آثار مهم حنین نامه‌ای است که به سال ۲۴۲ق برای علی بن یحیی پسر ابومنصور (د: ۲۵۷ق)^۱ که از درباریان متوکل عباسی (۲۳۲-۲۴۷ق) بود نگاشت و در آن آثار جالینوس را که به زبان سریانی و عربی ترجمه شده بود، شناساند. گویا می‌توان آن را کهن‌ترین فهرست در تاریخ اسلام معرفی کرد. حنین در ترجمه عربی این فهرست، آثار جالینوس را با ذکر مترجم هر یک و انگیزه نوشتن هر کدام را از سوی جالینوس بازگو کرده است.^۲

رازی پس از حنین ردی از فهرست‌نگاری برای خود در تاریخ علم نهاد. او نیز پیوستگی گسترده‌تر بر فهرست حنین که فهرست آثار جالینوس است، نوشت. افزون بر آن فهرستی برای نگارش‌های خویش نیز فراهم آورده است.^۳

بیرونی در فهرست خود این پیوست رازی را کتابی جداگانه برشمرده و آن را در بخش فنون گوناگون با شماره ۱۷۵ یاد کرده است.

ابن‌ابی‌اصیبعه آن را بخش دوازدهم از کتاب جامع الکبیر رازی برشمرده، گوید: ... القسم الثاني عشر فیما استدرکه... / بخش دوازدهم آن چه رازی بر شماره کتاب‌های جالینوس افزود که حنین یاد نکرده بود و در اصل فهرست خود جالینوس نیز نیامده است...^۴

^۱ «رسالة الی علی بن یحیی فی ذکر ما ترجم من کتب جالینوس یعلمه و بعض مالم یتترجم» با ضمیمه ترجمه آلمانی آن به وسیله برگشتراسر Bergstraesetr لایپزیک، ۱۹۲۵م، با نام:

Hunain ibn Ishaq: Uber die syrischen und arabischen Galen Übersetzungen, Leipzig 1925

^۲ - یگانه نسخه از این رساله عربی حنین در کتابخانه ایاصوفیه شماره ۳۶۳۱ است و برگشتراسر خاورشناس آلمانی آن را به آلمانی ترجمه و همراه با متن عربی آن به سال ۱۹۲۵ در لایپزیک چاپ کرد. ماکس میرهوف، ۱۹۲۶م، مقالاتی به انگلیسی در نقد آن، در مجله ایزیس، شماره ۸، برگه ۶۸۵ - ۷۲۴ پخش کرد، سپس مهدی محقق آن رساله را به فارسی ترجمه نمود و در بیست گفتار، برگه ۳۶۸ - ۴۱۶ چاپ کرد.

^۳ فهرست ندیم، چاپ تجدد، صفحه ۳۵۸.

^۴ عیون الأنبیاء، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۲۰: بخش دوازدهم: ریزگفتاری از کتاب‌هایی از جالینوس است که گویا تنها به دست رازی رسیده است که نه حنین فرزند اسحاق عبادی آن‌ها را یاد کرده است و نه در فهرست کتاب فینیکس جالینوس دیده می‌شود که خود جالینوس آن را گردآوری نموده است. فیما استدرکه من کتب جالینوس و لم‌یذکرها حنین و لاهی فی فهرست جالینوس (عیون الأنبیاء، به کوشش نزار رضا، برگه ۴۲۴). الفهرست، چاپ امیرکبیر، ۱۳۶۶خ، برگه ۵۳۲.

رازی افزون بر فهرست یاد شده، برای کتاب‌های خود نیز فهرستی گرد آورده که ندیم و قفطی آن را نقل می‌کنند. کهن‌ترین فهرست آثار رازی که به دست ما رسیده از ندیم است که نیم سده پس از رازی در «فهرست» آورده است.^۱ او ابوالفرج محمد فرزند ابویعقوب اسحاق فرزند محمد فرزند اسحاق وراق بغدادی (۲۹۷ - ۳۸۵ق) با آوازه ابن‌ندیم است که کهن‌ترین و گسترده‌نویسی‌ترین کتاب در زمینه کتاب‌شناسی و فهرست دارد. او به گستردگی نویسندگان جهان اسلام را شناسانده است. وی کتاب خود را با نام الفهرست، فوز العلوم را در سال ۳۷۷ق / ۹۸۷م به پایان رساند.

ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ق) پس از ندیم، رازی و حنین، چهارمین کس است که ردی از فهرستنگری در تاریخ علم از خود به جا گذاشت. وی آثار رازی را فهرست کرد. او این کتاب را به سال ۴۲۷ق در سن ۶۵ سالگی نگاشت. در سر آغاز آن به کسی که نامش را فاش نمی‌کند و خواهان شناسایی آثار رازی شده بود، می‌گوید: ... من تا آن جا که بتوانم آن چه را از دست نوشته‌های او دیدم و یا به راهنمایی خود وی، در کتاب‌هایش برخورد کردم، در این جا می‌آورم...

بیرونی که در دربار ترکان متعصب غزنوی می‌زیست در پیش‌گفتار کتاب، بیم خود را از گردآوری فهرست آثار رازی بدین‌گونه آشکار می‌کند که تا مبادا رژیم سنت‌گرای غزنوی از آن بوی هم‌فکری و گرایش علمی با رازی را استشمام کند.^۲ بیرونی در بخش یکم فهرست، یکصد و هشتاد و چهار عنوان کتاب برای رازی شمارش می‌کند، گفته شده که این شماره در فهرست ندیم ۱۶۷ عنوان می‌باشد، ولی من در فهرست چاپ تجدد صفحه‌های ۹ - ۳۵۶ و ۴۲۳، ۱۷۱ عنوان کتاب شمردم.

^۱ - ندیم «فهرست»، چاپ تجدد، ص ۵۹-۳۵۶ و ۴۲۳ شمار آثار رازی را که ندیم بازگو کرده است ۱۷۱ کتاب می‌باشد.

^۲ نسخه این کتاب به شماره ۱۳۳ در کتابخانه لیدن است. زاخائو W. Suchau بخشی از آن را که در برگزیده آثار بیرونی بوده در پیش‌گفتار «آثار الباقیه» بیرونی صفحه ۳۸ - ۴۸ در لایپزیک ۱۸۷۸م چاپ کرد. که عنوان مقاله چنین است:

Al. Biruni als Quelle fuer das Leben und dei schriften al-Razi s

سپس «ویده‌من» E. Wiedemann به سال ۱۹۲۰م، بخش آثار بیرونی را، و روسکا J. Ruska بخش آثار رازی به سال ۱۹۲۵م به آلمانی ترجمه کردند. سپس همه رساله با ویرایش و گزارش پل کراوس P. Kraws در پاریس به سال ۱۹۳۶م در ۵۱ صفحه به عنوان «رسالة للبیرونی لفهرست کتب الرازی» چاپ شد.

Epitrede Beruni, Contenant des Covrage de Mohammad B. Zakariya Ar. razi

رازی، پزشکی فیلسوف

۲۰

ابن ابی اصیبعه (۵۹۶ - ۶۶۸ق) در کتاب خود «عیون الانباء» آن را به ۲۳۸ شماره رسانیده است. شادروان دکتر محمود نجم آبادی نیز فهرستی از آثار رازی با سنجش میان چهار فهرست ندیم، بیرونی، قفطی، ابن ابی اصیبعه و تعیین جای هر یک از نسخه‌ها، شماره آن‌ها را به ۲۷۱ عنوان رسانید و آن را با نام مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی پخش کرد.^۱

هنگامی که مطلع شدم خواهرزاده عزیزم دکتر محمدابراهیم ذاکر که سال‌هاست با من همکاری بسیار گسترده در گردآوری و تنظیم «فهرست اعلام الذریعه^۲» و تنظیم فهرست‌های گوناگون برای «طبقات اعلام الشیعه»^۳ مجلد سده‌های دهم و یازدهم دارد قصد ترجمه «مرشد» رازی را دارد، با توجه به شناختی که از ترجمه‌های ایشان داشتم، او را در انجام این کار تشویق کردم و امیدوارم در آینده شاهد کارهای بیشتری در جهت زنده کردن میراث فرهنگی ایران زمین از او باشیم.

^۱ کتاب مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی به سال ۱۳۳۹خ توسط چاپخانه دانشگاه تهران در ۴۴۴ برگه چاپ شد.

^۲ فهرس أعلام الذریعة إلی تصانیف الشیعة در سه جلد در سال ۱۳۷۷خ، ۱۹۹۸م، ۱۴۱۹ق، توسط چاپخانه دانشگاه تهران زیر نظر خودم (ع.ن.منزوی) چاپ گردید.

^۳ احياء الدائر من القرن العاشر شادروان آية الله شيخ آقابزرگ تهرانی، چاپ دانشگاه تهران، توسط اینجانب (ع.ن.منزوی) تیرماه ۱۳۶۱ طبقات اعلام الشیعه القرن الحادیة عشر چاپ اسماعیلیان قم ۱۳۶۷خ، زنده یاد حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، توسط اینجانب (ع.ن.منزوی) روی نویس و پاک‌نویس کردن جهت چاپ از روی خط مؤلف و گردآوری همه فهرست‌های آخر کتاب توسط م.ا.ذاکر.

الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة مرحوم صاحب الذریعه، چاپ دانشگاه تهران، توسط اینجانب (ع.ن.منزوی) ۱۳۷۲خ و گردآوری همه فهرست‌های آخر کتاب توسط م.ا.ذاکر.

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

Al.Biruni als Quelle Fuer das Leben und dei schriften al-Razi s

Epitrede Beruni, Contenant des Covrage de Mohammad B.Zakariya Ar.razi

Hunain ibn Ishaq: Uber die syrischen und arabischen Galen Ubersetzungen, Leipzig 1925

Hunayn Ibn Ishaq) Isis Vol 6,1924, pp282- 296

- آثار الباقية عن القرون الخالية، ابوریحان محمد فرزند احمد بیرونی (۳۶۳ - ۴۴۰ق)، تصحیح زاخائو، بنیاد ترجمه آثار شرقی، ۱۸۶۹م؛ دیگر: به کوشش اکبر داناسرشت، ۱۳۲۱خ.
- إحياء الدائر من مآثر أهل القرن العاشر، طبقات اعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، پژوهش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶خ.
- إخبار العلماء بأخبار الحكماء، وزیر جمال الدین ابوالحسن علی فرزند قاضی اشرف یوسف شیبانی قفطی، ابن قفطی (۵۷۷ - ۶۴۶ق / ۱۱۶۷ - ۱۲۴۸م)، چاپ لایبزیگ ۱۹۰۳م؛ دیگر: چاپ مصر، ۱۳۲۶ق؛ تاریخ الحكماء، برگردان پارسی اخبار العلماء، از ناشناسی در سال ۱۰۹۹ق به دستور شاه سلیمان صفوی، تصحیح بهین دارایی، تهران، ۱۳۴۷خ.
- إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، یاقوت حموی، دیوید سموئل مارگلیوت لیدن، ۱۹۰۷م؛ قاهره ۱۹۰۹م؛ دیگر: چاپ قاهره، ۱۹۲۴م؛ برگردان عبدالحمید آیتی، تهران، ۱۳۹۱خ / ۲۰۱۲م.
- أعلام النبوة، بوحاتم احمد پسر حمدان پسر احمد رازی، ورسامی «ورستانی» (د: ۳۲۲ق)، تحقیق و تصحیح و مقدمه صلاح الصاوی و غلامرضا اعوانی به همراه مقدمه انگلیسی حسین نصر، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ۱۳۹۷ق / ۱۳۵۶خ. ه
- امتاع و الموانسة، ابوحيان توحیدی نیشابوری (۳۲۰ - ۴۱۴ق)، چاپ قاهره، ۱۹۴۲م؛ دیگر: به کوشش احمد امین، بیروت.

- الانتصار، و الرد علی ابن الروندی الملحد ما قصد به من الکذب علی المسلمین و الطعن علیهم، خیاط معتزلی، ابوالحسین عبدالرحیم فرزند محمد فرزند عثمان (د: ۳۰۰ ق / ۹۱۲ م)، تصحیح، تعلیق و مقدمه‌نگاری هنریک ساموئیل نیبرگ، قاهره، ۱۹۲۵ م؛ دیگر: بیروت، ۱۹۵۷ م؛ و دارقابس، بیروت، ۱۹۸۱ م.
- البدء و التاریخ (نگارش: ۳۵۵ ق / ۹۶۶ م)، ابونصر مطهر فرزند طاهر مقدسی، چاپ کلمان هوار، پاریس، ۱۸۹۹، ۱۹۱۹ م؛ افست تهران؛ آفرینش و تاریخ برگردان به پارسی محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، ۱۳۷۴ خ.
- بیان اوهام المعتزلة، ابومنصور محمد فرزند محمود ماتریدی (د: ۳۳۳ ق).
- تاریخ الرسل و الأمم و الملوك، تاریخ الطبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری آملی مازندرانی، جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ ق / ۸۳۹ - ۹۲۳ م)، به کوشش دخویه ۱۸۷۹ - ۱۹۰۱ م؛ دیگر: تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۰ - ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۰ - ۱۹۶۷ م؛ برگردان ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۵ جلد ۱۳۵۲ خ؛ چاپ دیگر: ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۶ جلد، ۱۳۵۳ خ؛ چاپ سوم، ۱۶ جلد، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۵ خ.
- تجارب الأمم و تعاقب الهمم، ابوعلی احمد فرزند محمد فرزند یعقوب مُسکویه رازی (۳۲۰ یا ۳۲۶ - ۴۲۱ ق)، مشکویه، به کوشش آمدرز، قاهره، ۱۹۱۴؛ برگردان جلد پنج و شش علی نقی منزوی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶ خ.
- تذکره الحفاظ، شمس‌الدین محمد فرزند احمد فرزند عثمان ذهبی (متوفی ۷۴۸ ق)، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۷ م.
- تعلیقات تاریخ بیهقی، تصحیح سعید نفیسی، تنبیه و الاشراف (نگارش: ۳۴۴ ق)، مسعودی ابوالحسن علی فرزند حسین فرزند علی بغدادی (د: ۳۴۵ ق)، به کوشش دخویه، چاپ لیدن ۱۸۹۳ م، هشت جلد؛ چاپ دیگر به کوشش عبدالله اسماعیل صاوی با تعلیقات بر چاپ دخویه، مصر، ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م چاپ شد و برگردان ابوالقاسم پاینده از روی آن انجام گرفت، چاپ تهران ۱۳۴۹ خ، برگه ۸۷.
- التنبیه و الاشراف، علی فرزند حسین مسعودی (د: ۳۴۶ ق / ۹۵۷ م)، به کوشش دخویه، لیدن، ۱۸۹۳ م؛ دیگر: چاپ بغداد، ۱۳۵۷ ق.

رازی، پزشکی فیلسوف

۲۳

- تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق یا طهارة الاعراق (نگارش: ۳۷۲ - ۳۷۵ ق / ۹۸۲ - ۹۸۵ م)، مشکویه، ابوعلی احمد فرزند محمد فرزند یعقوب رازی (د: ۴۲۱ ق / ۱۰۳۰ م)، چاپ‌های فراوان در قاهره، تهران و استانبول. التوحید، ابومنصور محمد فرزند محمود ماتریدی (د: ۳۳۳ ق).
- جامع التواریخ رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ - ۷۱۸ ق)، نسخه خطی، کتابخانه نیویورک، تاریخ رونویسی ۷۰۷ و ۷۱۴ و ۷۱۶ و ۷۲۶ ق، ۸۰ لوحه نقاشی مینیاتور آن در میان موزه‌های ادنبرک و لندن و نیویورک.
- جامع التواریخ رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ - ۷۱۸ ق)، تصحیح بهمن کریمی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۸ خ؛ چاپ دیگر: انتشارات البرز، ۱۳۷۳ خ.
- جامع التواریخ رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ - ۷۱۸ ق)، نسخه خطی، کتابخانه نیویورک، تاریخ رونویسی ۷۰۷ و ۷۱۴ و ۷۱۶ و ۷۲۶ ق، ۸۰ لوحه نقاشی مینیاتور آن در میان موزه‌های ادنبرک و لندن و نیویورک.
- جامع التواریخ رشیدی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ - ۷۱۸ ق)، تصحیح بهمن کریمی، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۳۸ خ؛ چاپ دیگر: انتشارات البرز، ۱۳۷۳ خ.
- جامع التواریخ، بخش اسماعیلیه، رشیدالدین فضل‌الله همدانی پسر ابوالخیر (د: ۷۱۸ ق) به کوشش شادروان محمدتقی دانش پژوه رشیدالدین فضل‌الله همدانی پسر ابوالخیر (د: ۷۱۸ ق)، تهران، ۱۳۳۸ خ.
- حفظ الصحة، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری (ز: ۲۵۲ ق / ۸۶۷ م)
- دایرة المعارف اسلام، تأثیر فلسفه یونان در اسلام، ریچارد والزر.
- الدين و الدولة في اثبات نبوة النبي محمد (ص). (نگارش: ۲۵۲ ق / ۸۶۷ م)، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری، تصحیح و تعلیق از مغناة *Mingana*، قاهره ۱۹۲۳ م؛ به کوشش عادل نویهض، بیروت ۱۹۷۳ م، ۲۳۹ برگه.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس، ثابت‌نامه - چینی‌سازی، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی‌نقی منزوی، چاپخانه بانک ملی ایران، تهران، ۱۳۲۳ خ / ۱۳۶۳ ق / ۱۹۴۴ م.
- الذريعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی‌نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.

رازی، پزشکی فیلسوف

۲۴

- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء الرابع، التخاطب - التیمیة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰ خ / ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السابع عشر، قائد القوات العلوية - الكسوف و الخسوف، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۶ خ / ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد منزوی، چاپخانه اسلامیه، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- الذریعة إلى تصانيف الشيعة، الجزء العاشر، ذائقه ماتم - الرسائل و المكاتیب، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، به کوشش علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.
- ردّ الاصول الخمسة لابي محمد البهلي، ابومنصور محمد فرزند محمود ماتریدی (د: ۳۳۳ ق).
- ردّ الامامة لبعض الروافض، ابومنصور محمد فرزند محمود ماتریدی (د: ۳۳۳ ق).
- الردّ المسمعي المتكلم في رده على اصحاب هيولى، ابوبكر محمد فرزند زكريا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق).
- ردّ اهل الدولة ابومنصور محمد فرزند محمود ماتریدی (د: ۳۳۳ ق).
- الرد على ابن اليمان في نقضه على المسمعي، ابوبكر محمد فرزند زكريا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق).
- الردّ على الجاحظ في نقض الطب، ابوبكر محمد فرزند زكريا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق). نک: ذریعه، ج ۱۰، ۱۹۲ و ندیم الفهرست، ۱۳۴۸ ق، مصر، برگه ۴۱۸.
- الردّ على القرامطة ابومنصور محمد فرزند محمود ماتریدی (د: ۳۳۳ ق).
- رساله الى علي بن يحيى في ذكر ما ترجم من كتب جالينوس يعلمه و بعض مالم يترجم، ابوبكر محمد فرزند زكريا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق)، با ضمیمه ترجمه آلمانی برگستراسر Bergstraesetr، لایپزیک، ۱۹۲۵ م.

رازی، پزشکی فیلسوف

۲۵

رسائل فلسفية لأبوبكر محمد بن زكريا الرازي مع قطع بقية من كتبه المفقودة، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م؛ السيرة الفلسفية، شرح احوال و آثار و افكار رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق)، به كوشش پُل كراوس، ترجمه مهدي محقق، تهران، ۱۳۷۱خ.

الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشرة، طبقات أعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحيح و مقدمه نگاری علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپ اسماعیلیان قم ۱۳۶۷خ؛ و دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ. روی نویس و پاک نویس کردن جهت چاپ از روی خط مؤلف و گردآوری همه فهرست‌های آخر کتاب توسط محمدابراهیم ذاکر. زادالمسافرين. ناصر خسرو دهلوی (۳۹۴ - ۳۸۱ق)، پسر خسرو پسر حارث مروزی علوی قبادیانی بدخشانی، چاپ برلین، ۱۹۴۱م.

الزمر، ابن راوندی ابوالحسین احمد پسر حسین (یحیی) پسر محمد (د: ۲۴۵ق). سيرة الفلسفية، ۱۶ برگه، از رسائل الفلسفية رازی، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م شكوك علی جالینوس، رازی، به كوشش دكتور مهدي محقق، تهران ۱۳۷۲خ، ۱۴۱۳ق. طب الروحاني، ۹۶ برگه از رسائل الفلسفية رازی، برگه ۱ - ۹۷، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.

طبقات أعلام الشيعة القرن الرابع، هو نوابغ الرواة في رابعة المئات، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحيح و مقدمه نگاری علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربي، بیروت، ۱۹۷۱م. طبقات أعلام الشيعة نابس في القرن الخامس؛ يا إزاحة الحلک الدامس بالشموس المضيئة في القرن الخامس، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، سده ۵، تصحيح و مقدمه نگاری علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربي، بیروت، ۱۹۷۱م.

طبقات الأمم، قاضی ابوالقاسم صاعد فرزند احمد فرزند صاعد اندلسی (۴۲۰ - ۴۶۲ق / ۱۰۶۹ - ۱۰۲۹م)، به كوشش لويس شيخو، بیروت ۱۹۱۷م؛ برگردان جلال الدين تهران، گاهنامه ۱۳۱۰خ؛ برگردان دكتور غلامرضا جمشيد نژاد اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي، ۱۳۸۳خ؛ ابن صاعد اندلسی، به كوشش غلامرضا جمشيد نژاد اول، تهران، ۱۳۷۶خ.

دکتر علی نقی منزوی

طبقات المعتزله، ابن مرتضی، احمد پسر یحیی پسر مرتضی، چاپ بیروت، ۱۳۸۰ق،
طریقه الساسانیة، ثعالبی.

علم الهی، ۶ برگه برگه از رسائل الفلسفیه رازی، تصحیح پُل کراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م
فردوس الحکمة فی الطب (نگارش: ۲۳۶ق)، ابوالحسن علی فرزند سهل ربن طبری (د: ۲۶۰ق)، پژوهش محمد زبیر
صدیقی، چ برلین، ۱۹۲۸م؛ دیگر: معهد تاریخ العلوم العربیة الاسلامیة، دانشگاه فرانکفورت ۱۹۹۶م / ۱۴۱۶ق؛ برگردان
علی نقی منزوی و محمدابراهیم ذاکر، مرکز تحقیقات طب سنتی و مفردات پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی،
۱۳۹۱خ.

فضائح الباطنیة، حجة الاسلام ابوحامد امام محمد پسر محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ق)، به کوشش عبدالرحمان بدوی،
دارالقومیة، بیروت، ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۲م؛ چاپ دیگر به کوشش محمد علی القطب، مكتبة العصرية، بیروت، لبنان، ۱۴۲۱ق /
۲۰۰۱م.

فهرس أعلام الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ألفه جمع من اولاد المؤلف و اصهاره و احفاده، تحت نظر ابن المؤلف: الدكتور
علی نقی منزوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷خ / ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.

الفهرست؛ یا فوز العلوم (نگارش: ۳۷۷ق / ۹۸۷م)، ابن ندیم، ابوالفرج محمد فرزند ابویعقوب اسحاق فرزند محمد وراق
بغدادی (د: ۳۸۵ق / ۹۹۵م)، تصحیح گوستاو فلوجل، ۱۸۷۱ - ۱۸۷۲م، لایپزیک؛ دیگر: چاپخانه رحمانی مصر، چاپ
۱۳۴۸ق؛ برگردان محمدرضا تجدد، تهران، بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۶خ؛ انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶خ.

فی الردّ علی ابی القاسم البلخی فی ناقض به المقالة الثانیة من کتابه فی العلم الالهی، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ -
۳۱۳ق) نک: عیون، برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۱۸؛ ذریعه، ج ۱۰، ۱۸۱: ۱۸۱ ندیم، الفهرست، برگه ۴۱۸.

فی نقض الطب الروحانی علی بن التمار، رازی این کتاب را در ردّ کتاب ابوبکر حسین تمار دهری بر کتاب طب الروحانی
خود نوشته است.

فی نقض کتاب البلخی للکتاب العلم الالهی، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق). نک: عیون الانباء، برگردان
ذاکر، ج ۲، ۷۲۳.

رازی، پزشکی فیلسوف

۲۷

- في نقضه على علي بن شهيد البلخي فيما ناقضه به في أمر اللذة، ابوبكر محمد فرزند زكريا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق). نک: فهرست، ندیم، تجدد، برگه ۳۵۸.
- فیلسوف ری دکتر محقق، مهدی، موسسه مطالعات دانشگاه مک‌گیل شعبه تهران، ۱۳۵۲خ.
- فيما استدرکه من كتب جالينوس و لم يذكرها حنين و لاهي في فهرست جالينوس (عيون الأنبياء، به كوشش نزار رضا، برگه ۴۲۴). الفهرست، چاپ اميركبير، ۱۳۶۶خ، برگه ۵۳۲.
- فيما جرى بينه و بين شهيد البلخي في اللذة، ابوبكر محمد فرزند زكريا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق). نک: ابن ابی اصيبعه، عيون الانبياء، شماره ۱۱۴، برگه ۴۲۵ و برگردان ذاکر، ج ۲، ۷۲۲.
- فينكس، جالينوس، ميكروفيلم شماره ۲۰۶۶، كتابخانه مركزی دانشگاه تهران
- قضا و قدر در ادبيات فارسی، كاوه، مونيخ، شماره ۴۱-۴۲، سال دهم، مرداد ۱۳۵۱خ، برگه‌ها با شمارگان رومی *XIV-I*، پس از برگه ۱۶۸).
- القول في الزمان و المكان، ۳۰ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، برگه ۲۴۲ - ۲۸۱، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.
- القول في القدماء الخمسه، ۲۶ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، برگه ۱۹۱ - ۱۲۶، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.
- القول في النفس و العالم، ۱۰ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، برگه ۱۹۱ - ۱۲۶، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.
- القول في الهیولی، ۲۴ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، برگه ۱۹۱ - ۱۲۶، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.
- الكامل في التاريخ، ابن اثير، عزالدين ابوالحسن على محمد شيباني جزري (۵۵۵ - ۶۳۰ق)، ۱۳ جلد، چاپ قاهره، ۱۳۵۳ق؛ دارالصاد، بيروت، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م.
- کتاب اللذة، ۲۶ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، برگه ۱۹۱ - ۱۲۶، تصحيح پُل كراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.

- کتاب المقامات، ابومنصور محمد فرزند محمود ماتریدی (د: ۳۳۳ق).
 کتاب إلى ابی القاسم البلخی و الزیادة علی جوابه و جواب هذا الجواب، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق).
 کتاب إلى علی بن شهید البلخی فی تثبیت المعاد، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق).
 کشف المحجوب، علی فرزند عثمان فرزند علی جلابی هجویری غزنوی، داتا گنج بخش، زوکوفسکی، چ لنین گراد، ۱۹۲۶م؛
 دیگر: تصحیح محمد حسین تسبیحی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۷۴خ؛ دیگر: تصحیح محمود
 عابدی، انتشارات سروش، ۱۳۸۳خ.
 الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة مرحوم صاحب الذریعه، چاپ دانشگاه تهران، توسط اینجانب (ع.ن.منزوی)
 ۱۳۷۲خ و گردآوری همه فهرست‌های آخر کتاب توسط محمد ابراهیم ذاکر.
 گاهنامه ۱۳۱۰خ.
 گنوسیسم اسلامی ایران از مرگ متوکل تا مرگ مکتفی، علی نقی منزوی، یادنامه میرزا جعفر سلطان القرایی، آذر ۱۳۷۰خ،
 دانشگاه تبریز، برگه ۲۶۶.
 گنوسیسم اسلامی ایرانی از مأمون تا معتضد، علی نقی منزوی، یکی قطره باران، جشن دکتر زریاب خوبی، چاپ ۱۳۷۰خ،
 برگه ۴۱۴ - ۴۱۵.
 لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی ابوالفضل احمد فرزند علی فرزند محمد فرزند احمد فرزند حجر (۷۷۳ - ۸۵۲ق)، به
 کوشش دائرة المعارف النظامية، چاپ حیدرآباد هند، ۱۳۲۹ق؛ دیگر: مؤسسه علمی، بیروت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۱م.
 ماجری بینہ و بین ابی القاسم الکعبی فی الزمان، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق).
 مجله فرهنگ ایران زمین. سال ۱۳۴۸، برگه ۳۰۶.
 مختصر منطق ارسطو، پولس برسا برای انوشیروان نگاشت.
 المرشد او الفصول، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق)، پژوهش البر زکی اسکندر، مجله مشرق، ۱۹۶۱م،
 برگردان به پارسی محمد ابراهیم ذاکر، دانشگاه علوم پزشکی تهران، موزه تاریخ علوم پزشکی، تهران، ۱۳۸۴خ.
 معجم الأدباء؛ یا إرشاد الأریب إلى معرفة الأديب، یاقوت حموی، دیوید سموئل مارگلیوت لیدن، ۱۹۰۷م؛ قاهره ۱۹۰۹م؛
 برگردان عبدالحمید آیتی، تهران، ۱۳۹۱خ / ۲۰۱۲م.

رازی، پزشکی فیلسوف

۲۹

معجم البلدان، یاقوت حموی (۵۷۴ - ۶۲۶) شهاب‌الدین ابو‌عبدالله فرزند عبدالله رومی، چاپ لایپزیک (۱۸۷۳-۱۸۶۶م) افسر تهران، ۱۹۶۵م، برگردان به پارسی دکتر علی‌نقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی جلد اول برگردان به پارسی را تا پایان حرف الف در سال ۱۳۸۰خ و جلد دوم آن را تا پایان حرف "ز" در سال ۱۳۸۳خ به چاپ رسانید و امید به چاپ دیگر جلد‌های ترجمه شده آن.

مقالات فی العین، حنین فرزند اسحاق، به کوشش ماکس مایرهورف، چاپ قاهره، ۱۹۲۸م.

مقالة فی الردّ علی احمد بن الطیب السرخسی فیما رد علی جالینوس فی أمر طعم المرّ، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱-۳۱۳ق).

مقالة فی امارات الاقبال و الدولة، ۴ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، برگه ۱۹۱-۱۲۶، تصحیح پُل کراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م.

مقالة فیما بعد الطبیعة، ۲۲ برگه از رسائل الفلسفیه رازی، تصحیح پُل کراوس، مطبوعات دانشگاه فؤاد اول، قاهره، ۱۹۳۹م. المِلک و النِخل، محمد فرزند عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹-۵۴۸ق)، چاپ مصر، ۱۹۴۵م؛ چاپ دیگر: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بیروت، لبنان، ۱۹۷۲م؛ انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴خ؛ دیگری پژوهش گیلانی.

منطق الطیر، مقامات الطیور، فریدالدین ابو‌حامد محمد عطار، شیخ عطار نیشابوری (۵۴۰-۶۱۸ق / ۱۱۴۶-۱۲۲۱م)، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، انتشارات سخن.

مؤلفات و مصنفات ابوبکر محمد بن زکریای رازی به سال ۱۳۳۹خ توسط چاپخانه دانشگاه تهران، ۴۴۴ برگه.

نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد دوم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۷۲م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد سوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

نامه‌های عین‌القضات، علی‌نقی منزوی، جلد یکم، عقیف عسیران، بیروت، ۱۹۶۹م، سپس تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷خ.

رازی، پزشکی فیلسوف

۳۰

النجوم الزاهرة في أخبار ملوك مصر و قاهرة، ابوالمحاسن جمال الدين يوسف پسر تغری بردی اتابکی (۸۱۳ - ۸۷۴ق)، چاپ قاهره، ۱۳۴۸ - ۱۳۶۹ق؛ دیگر: تحقیق جمال محمد محرز، فهیم محمد شلتوت، ابراهیم علی طرخان و جمال الدین شیال، ۱۶ جلد، وزاره الثقافه و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامة، ۱۳۹۱ - ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲م.

النقض على الكيال في الامامة، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق).

نقض على سهيل البلخي، ابوبکر محمد فرزند زکریا رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ق).

نک: ذریعه، ج ۱۵، ۱۸۸؛

نهایة الأقدام في علم الکلام، ابوالفتح محمد فرزند ابوالقاسم عبدالکریم شهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸ق)، تصحیح ألفرد گیوم، آکسفورد، ۱۳۱۲ق / ۱۹۳۴؛ افسست قاهره (بی تا)؛ دیگر: دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۵ق.

وفیات الأعیان و أبناء أبناء الزمان ممّا ثبت بالنقل والسمع و أثبتت العیان، ابن خلکان احمد فرزند محمد برمکی اربلی (۶۰۸ - ۶۸۱ق)، میرزا محمدحسن خان شیخ جابری انصاری به دستور ظل السلطان به فارسی برگرداند. وفيات الاعیان در سال ۱۲۸۴ق توسط معتمدالدوله فرهاد میرزا همراه با ویرایش و افزوده‌هایی به عربی چاپ شد؛ چاپ دیگر به کوشش احسان عباس، دارالفکر، بیروت، لبنان.

وفیات الأعیان و أبناء أبناء الزمان ممّا ثبت بالنقل والسمع و أثبتت العیان، ابن خلکان، شمس الدین، ابوالعباس احمد فرزند ابراهیم فرزند ابوبکر فرزند خلکان (۶۰۸ - ۶۸۱ق)، پژوهش احسان عباس، دارالفکر، بیروت، لبنان.

یتیمه الدهر، ابومنصور عبدالملک فرزند محمد ثعالبی نیشابوری (۳۵۰ - ۴۲۹ق)، مکتبه الحسینیة بالازهر، قاهره، ۱۳۵۲ق / ۱۹۳۴م.

دکتر علی نقی نیشابوری